

برنامه‌نویسی و کتاب «البرنامهج» وادی اُشی

دکتر یونس فرهمند*

چکیده

نوشتار حاضر پژوهشی در برنامه‌نویسی، از مشهورترین شیوه‌های تراجم‌نگاری در غرب جهان اسلام است. برنامه‌نویسی معلول توجه مسلمانان به سماع، به مثابه یکی از شیوه‌های رایج آموزش در تمدن اسلامی بود. دانشمندان علوم دینی با هدف توثیق روایات خود در آثاری که اغلب نام «برنامهج» یا «فهرسه» بر خود داشت، به ثبت اسامی مشایخ و شیوه‌های اخذ حدیث و نیز سلسله اسناد روایات تا نخستین راوی مبادرت می‌ورزیدند. نگارنده، پس از بررسی کوتاه نوشته‌های برنامه‌جی، به مطالعه موردی کتاب البرنامهج وادی اُشی پرداخته و ضمن تبیین شیوه‌های تدوین کتب برنامه‌ج، بدین نتیجه دست یافته که در پرتو این آثار می‌توان تحولات تاریخ آموزش و پرورش اسلامی، مواد درسی و از همه مهم‌تر سیر انتقال علوم از نقطه‌ای به نقطه دیگر جهان اسلام را دقیقاً باز شناخت.

کلید واژه‌ها: برنامه‌نویسی، فهرست نویسی، کتاب «البرنامهج»، تاریخ حدیث، تراجم‌نگاری.

درآمد

در تاریخ‌نگاری مغرب اسلامی، بویژه از قرن هفتم به بعد، آثاری در شرح حال مشایخ و دانشمندان علوم دینی پدید آمد که اغلب نام برنامه‌ج بر خود داشت. این شیوه - که گاه از آن به فهرسه‌نگاری نیز یاد می‌کنند - از مشهورترین شیوه‌های تراجم‌نگاری در غرب جهان اسلام است که در ادوار مختلف، به طور جدی، مورد عنایت دانشمندان مختلف، بخصوص محدثان بوده است. پژوهش در برنامه‌نویسی مستلزم بحث درباره شیوه‌های آموزش اسلامی، بویژه سماع، قرائت و املا و نیز اعطای اجازه‌نامه‌های علمی است.

تردیدی نیست که سماع از نخستین شیوه‌هایی بود که جهت آموزش علوم حدیثی، در دوره‌ای که هنوز کتابت احادیث آغاز نشده بود، با هدف جلوگیری از جعل و تحریف در روایات به وجود آمد.^۱ با این همه، با ظهور کتابت، املا و ... این شیوه از میان نرفت و همچنان سهم درخور توجهی در انتقال دانش‌های مختلف دینی را بر عهده داشت. در این میان، مستملی^۲ یا معید^۳ اسامی طلاب حاضر در حلقهٔ درس را همراه با مطالبی که موفق به سماع آن شده بودند، ثبت می‌کردند تا شیخ به هنگام صدور اجازه‌نامه دقیقاً به قسمت‌های مسموع اشاره نموده و تنها اجازه روایت همان بخش را صادر کند.^۴ از این رو، دانشمندان علوم دینی به منظور کسب اعتبار و ایجاد اعتماد با نگارش کتبی که به برنامه‌نویسی شهرت داشت، به ثبت سلسله روایان و مشایخ خود اهتمام می‌ورزیدند. در این گونه آثار، غالباً به عنوان کتب و مؤلفان آنها، اسامی مشایخ و روایانی که مؤلف، روایات خود را از آنها گرفته، به همراه شیوه‌های اخذ آن چون سماع، قرائت و ... نیز سلسله اسناد کتاب با روایات تا نخستین مؤلف یا راوی و گاه مکان تدریس و شروع و خاتمه آن اشاره می‌شود.^۵

بر خلاف برنامه‌نویسی یا فهرس‌نگاری معمول در غرب جهان اسلام - که ریشهٔ لغوی هر دو اصطلاح فارسی است -،^۶ در شرق جهان اسلام نیز آثاری با همین موضوع به رشته تحریر درآمد که از آنها با ثبت،^۷ مشیخه^۸ یا معجم یاد شده است.^۹ بدیهی است این آثار به رغم اشتراک موضوع، از نظر شیوه تدوین یا تاریخ پیدایش گاه، با هم متفاوت‌اند. به نظر می‌رسد نخستین دسته از این نوشته‌ها، بدون رعایت هیچ شیوهٔ تدوینی و فقط بر اساس توالی تاریخی درک روایت از مشایخ نگارش یافته و هم از این رو، بر آنها لفظ «مشیخه یا مشیخه» اطلاق شده است.

در ادوار بعد، با هدف دستیابی آسان، این شرح حال‌ها بر اساس ترتیب الفبایی نام مشایخ، تدوین شد و اصطلاح «معجم» بر آنها اطلاق گردید؛ این در حالی بود که در اندلس از همان آغاز به این گونه آثار برنامه‌نویسی می‌گفتند. در قرون اخیر، برای نامگذاری این آثار در شرق و غرب جهان اسلام، به ترتیب، از ثبت^۹ و فهرسه استفاده گردید و چنین آثاری به شکل گسترده‌ای رواج یافت.^{۱۰}

۱. برای اطلاع بیشتر از این شیوه، ر.ک: تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۲۳۵ و ۲۳۷.
۲. کسی بود که در مجلس حدیث، به عنوان دستیار معلمی (محدث)، مطالب او را تکرار می‌کرد و با صدای بلند به گوش حضار می‌رساند (همان، ص ۲۳۷ و ۲۳۸).
۳. معیدان، کسانی بودند که استادان را در کار تدریس یاری می‌کردند و در بازگو کردن و شرح و تفهیم درس، با هدف یادگیری بهتر، به طلاب کمک می‌کردند (همان، ص ۳۲۶ و ۳۲۷).
۴. مقدمه البرنامج، (محفوظ)، ص ۵.
۵. «کتاب برامج العلماء فی الاندلس»، ص ۹۱.
۶. برنامه‌نویسی معرب، «برنامه» و فهرسه معرب «فهرست» فارسی است (ر.ک: المعجم الوسیط، ص ۵۲ و ۷۰۴).
7. A. Ayalon, "Mashyakha", *EL*, Vol. 6, P. 726.
8. Ch. Pellat, "Fahrassa", *EL*, Vol. 2, P. 744; ۶۲. و نیز مقدمه ثبت.
۹. به عنوان نمونه، ر.ک: ثبت.
۱۰. مشیخه ابی المواهب حبیلی، ص ۲۵.

از خلال کتب تراجم توان دانست که این گونه نوشته‌ها، شمار قابل توجهی از آثار شرح حالی را در تاریخ‌نگاری اسلامی تشکیل می‌دهند؛ اما متأسفانه تنها تعداد اندکی از آنها امروزه باقی مانده است.^{۱۱}

البرنامهج

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های بر جا مانده از این آثار کتاب البرنامهج وادی آشی است که مؤلف آن در دربار حفصیان در تونس می‌زیسته است.

ابوعبدالله محمد بن جابر بن محمد بن قاسم قیسی وادی آشی^{۱۲} ملقب به شمس‌الدین و مشهور به ابن جابر و صاحب الرحلتین به سال ۶۷۳ ق، در تونس زاده شد.^{۱۳} از نسبت وادی آشی او می‌توان فهمید که نسب به خاندانی اندلسی الاصل می‌برد. او بر خلاف معاصرانش که گویی به علم روایت چندان توجهی نداشتند، در سایهٔ تمکن مالی پدر، به روایت و سماع عنایتی بایسته نمود.^{۱۴} علاقهٔ وافر وی به اخذ روایت از مشاهیر روزگار خویش موجب شد تا در سال ۷۲۰ ق، تونس را به قصد مصر، بیت المقدس، شام و حجاز ترک کند.^{۱۵} وصف او از دمشق - که به قلم شاگردش، ابن جزئی اندلسی در رحلهٔ ابن بطوطه بر جا مانده - از حضور طولانی مدت و شیفتگی‌اش نسبت به دمشق حکایت دارد. اما این تنها سفر او نبود؛ چرا که بار دیگر در سال ۷۳۴ ق، تونس را با هدف سفر به شرق جهان اسلام ترک کرد؛^{۱۶} با این تفاوت که این بار به گونه‌ای در محافل علمی شرق و غرب شهرت یافته بود که از هر سوی برای سماع حدیث به نزد او می‌شتافتند. پس از بازگشت از این سفر به مغرب اوسط، اقصی و اندلس مسافرت کرد و مشتاقان زیادی را از سرچشمهٔ عمیق دانش حدیثی خود بهره‌مند نمود. گویند در مصر این دوره، وی تنها کسی بود که الموطأ را به روایت یحیی بن یحیی با سلسله استاد صحیح آن در اختیار داشت.^{۱۷}

از مطالعه و تأمل در البرنامهج وی برمی‌آید که او از نظر مرتبهٔ علمی و استفاده از استادان و مشایخ مغربی، اندلسی و شرقی، به راستی، در این عصر الگو تواند بود. او در تونس از یک سو، نزد مشاهیر دانشمندان مغربی این شهر کسب حدیث کرد و از سوی دیگر، از علمای اندلسی مهاجری که به مغرب و بویژه تونس آمده بودند، چون قاضی الجماعه ابن غماز بلنسی، ابوجعفر لبلی و ابوالقاسم خلف بن عبدالعزیز بقتوری اشبیلی بهره‌ها گرفت.^{۱۸} به علاوه، رحله‌های متعدد او به شرق و غرب جهان

۱۱. دکتب برامج العلماء فی الاندلس، ص ۹۱.

۱۲. منسوب به وادی آش (Guadix) از کوره‌های (استان‌های) البیره که از آنجا تا غرناطه چهل فرسخ فاصله است (مقدمه البرنامهج، (محفوظ)، ص ۹).

۱۳. الدرر الکامنه، ج ۳، ص ۴۱۳؛ دیباج المذهب فی معرفة أعیان المذهب، ج ۲، ص ۲۹۹؛ الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۲۸۳.

۱۴. تذکره الحفاظ، ج ۴، ص ۱۴۸۵.

۱۵. تحفة النظار، ج ۱، ص ۱۰۱؛ مقدمه کتاب البرنامهج، ص ۱۴.

۱۶. الدرر الکامنه، ج ۳، ص ۴۱۴.

۱۷. مقدمه البرنامهج، (محفوظ)، ص ۱۵.

۱۸. دیباج المذهب، ج ۲، ص ۳۰۰؛ الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۲۸۳.

اسلام او را با دانشمندان مختلف این مناطق آشنا ساخت. در این میان جالب توجه است که در بین مشایخ شرقی او که موفق به اخذ اجازه از آنان گردیده، جز مردان، اسامی دست کم سیزده تن از زنان دمشق نیز به چشم می‌خورد.^{۱۹}

درباره کسانی که نزد وی دانش آموختند نیز سخن بسیار است؛ اما تنها به این نکته بسنده می‌شود که بزرگ‌ترین دانشوران و سیاستمداران روزگار خویش، چون ابن‌خلدون، لسان‌الدین بن خطیب، ابن‌عرفه، فقیه مشهور تونس و ابن‌مرزوق خطیب تلمسانی نزد وی شاگردی کرده‌اند. سرانجام، وادی آشی در سال ۷۴۹ ق، در تونس درگذشت.^{۲۰}

از آثار متعددی او که در موضوعات مختلف تراجم، حدیث و ادب نوشته، تنها شمار معدودی بر جا مانده است. بی‌تردید، مشهورترین این آثار، کتاب «البرنامهج» وی است که می‌توان آن را در زمره کتب تراجم قرار داد. تاریخ تألیف کتاب به درستی دانسته نیست. با این همه، نظر به اشتهال آن بر مشایخی که وی تنها پس از سفرهایش به مشرق، در سال ۷۲۰ ق، می‌توانسته به آنها دسترسی داشته باشد، می‌توان حدس زد که پس از این تاریخ به رشته تحریر درآمده است.^{۲۱} به علاوه، قرآینی در دست است، فهمیده می‌شود که مؤلف، پیوسته کتاب را تکمیل و بازنویسی می‌کرده و تا زمان حیات مطالبی بر آن می‌افزوده است. این معنا را هم از برخی نسخ خطی اندلسی کتاب - که فاقد برخی شرح حال‌های موجود در دهه چهارم قرن هشتم هجری است - چون عبدالواحد بن منصور المنبر (م ۷۳۳ ق)، عبدالکریم بن عبدالنور (م ۷۳۵ ق) و اثیر الدین بن حیان (م ۷۴۴ ق)، توان دانست^{۲۲} و هم از استفاده‌های ابن‌قاضی در «دره‌الحجال» که به رغم اتکای بر کتاب «البرنامهج»، به علت دسترسی به رونوشت اول آن، نتوانسته از این شرح حال‌ها استفاده کند.^{۲۳}

شیوه تدوین

عموم نویسندگانی که به نگارش کتب برنامه‌ج یا فهرس اهتمام ورزیده‌اند، از شیوه‌های زیر در تدوین مطالب خود سود جستند.^{۲۴}

شیوه اول. در این شیوه، مؤلف به ذکر مشایخ خویش، خصوصیات اخلاقی، علمی و سپس زمان و مکانی که با وی دیدار کرده می‌پردازد و در ادامه، غالباً به شیوه‌های مختلفی که در اخذ دانش از آنها بهره گرفته و نیز به نوع و محتوای اجازه‌نامه، در صورت صدور، اشاره می‌کند. این شیوه را به نوبه خود می‌توان به انواع مختلفی تقسیم کرد.

۱۹. کتاب البرنامهج، ص ۱۶۹-۱۷۳.

۲۰. دیباج المذهب، ج ۲، ص ۳۰۱؛ الدرر الکامنه، ج ۳، ص ۴۱۴.

۲۱. رک: کتاب البرنامهج، ص ۸۲، ۸۳، ۸۶، ۹۰، ۹۱ و جم.

۲۲. رک: همان، ص ۷۰، ۷۴ و ۷۷.

۲۳. رک: مقدمه البرنامهج، (الهلیة)، ص ۳۷.

۲۴. رک: مقدمه برنامهج شیوخ الرعیة، ص ۵.

۱. در برخی از این آثار، نویسنده ابتدا از پدرش به عنوان نخستین شیخ خویش و سپس از دیگر مشایخ، به ترتیب تاریخ درک محضر آنان به همراه کتب یا روایاتی که اخذ کرده، یاد می‌کند؛ بهترین نمونه استفاده از این شیوه را می‌توان در فهرسه عبدالحق بن غالب محاربی غرناطی یافت.^{۲۵}

۲. در دسته دیگری از این نوشته‌ها مؤلف همچون نوشته‌های تراجم کلاسیک دوره اسلامی، اسامی شیوخ خود را به ترتیب الفبایی مرتب کرده و نام‌های احمد و محمد را به سبب قداستی که نزد او دارند، خارج از ترتیب الفبایی و در صدر کتاب یاد می‌کند؛ فهرسه قاضی عیاض یحصبی سبتی بر این اساس تدوین شده است.^{۲۶}

۳. سومین گونه این نوشته‌ها بر اساس تخصص و شهرت علمی مشایخی که طالب نزد آنان دانش آموخته، نظم می‌یابد؛ برنامه شیوخ الزمینی از ابوالحسن علی بن محمد رعینی اشبیلی بهترین نمونه‌ای است که در آن از این روش پیروی شده است.^{۲۷} به عنوان نمونه، وی نخست از مشایخ قرآنی خود و سپس از محدثان، نحویان، ادبا و شعرا، طی فصولی جداگانه، سخن گفته است.^{۲۸}

شیوه دوم. در این شیوه، نویسنده مطالب کتاب را، نه بر اساس نام مشایخ، بلکه بر اساس ترتیب کتبی که نزد شیخ آموخته، تدوین می‌کند. در این شیوه، علوم بر اساس ارزش‌های دینی طبقه‌بندی شده و از علوم قرآن و حدیث آغاز و به سیره پیامبر و انساب، فقه و اصول فقه، صرف و نحو و ادبیات ختم می‌شود. بهترین نمونه پیروی از این شیوه را می‌توان در فهرسه ابوبکر بن خیر اشبیلی یافت.^{۲۹}

شیوه سوم. در سومین شیوه، مؤلف برنامه یا فهرسه خود را به دو بخش تقسیم کرده و در تدوین کتاب به طور جداگانه از هر دو شیوه اول و دوم بهره گرفته است.^{۳۰} ابن جابر وادی آشی کتاب البرنامج خود را بر این اساس و با انگیزه پاسخگویی به خواست برخی از «راویان عصر خویش که به امر روایت عنایتی وافر داشتند»،^{۳۱} تألیف کرده است. از این رو، کتاب البرنامج از دو بخش مستقل تشکیل شده است:^{۳۲}

در بخش اول، وادی آشی با رعایت نخستین شیوه رایج در نگارش این آثار به نام کامل، نسب، کنیه، مذهب، مولد، مشایخ و گاه فهرسه و در صورت دریافت اجازه‌نامه، نوع اجازه و سرانجام، تاریخ درگذشت هر یک از اصحاب تراجم اشاره کرده است.^{۳۳} این بخش را می‌توان به نوبه خود، به دو جزء

۲۵. عمرانی، مقدمه ثبت بلوی وادی آشی، ۶۳.

۲۶. شیوخ، همان، و.

۲۷. رک: برنامج شیوخ الزمینی.

۲۸. رک: همان، ص ۷، ۳۱، ۳۱، ۷۹، ۹۲، ۱۹۱.

۲۹. مقدمه ثبت، ص ۶۳.

۳۰. وکتب برامج العلماء فی الاندلس، ص ۱۰۶.

۳۱. کتاب البرنامج، ص ۳۷.

۳۲. همان، ص ۳۷-۱۳۷ و ۱۷۳-۳۲۳.

۳۳. همان، ص ۸۰، ۸۴، ۹۸ و جم.

کوچک‌تر تقسیم کرد: جزء اول، به ذکر مشایخی اختصاص دارد که مؤلف از آنها اجازه‌نامه دریافت کرده و تنها هفتاد تن را در این شمار ذکر کرده است^{۳۴} و در جزء دوم، به مشایخی پرداخته که بی‌آن که برای وی اجازه‌نامه‌ای صادر کنند، تنها به درک محضر آنان نایل آمده است.^{۳۵} بدیهی است که این قسمت از نظر حجم و تعداد مشایخ، به مراتب، بیش از جزء نخست، تفصیل یافته و نویسنده، در این بخش به شرح حال ۲۷۹ تن از مشایخ خود پرداخته است.

مبنای ترتیب و تدوین هفتاد ترجمه نخست، به درستی دانسته نیست؛ چنین می‌نماید که این مشایخ براساس فزونی شمار روایات مأخوذ از آنها و سپس انتساب به شهرهای محل سکونتشان چون تونس، مغرب، مصر، مکه، مدینه و... تدوین شده باشد. باقی تراجم این بخش تقریباً به صورت الفبایی منظم شده است؛^{۳۶} با این همه، ترتیب الفبایی آن با ترتیب رایج حروف مغربی^{۳۷} و مشرقی تفاوت اساسی دارد.

از نکات قابل توجه در تراجم این بخش، اختصاص فصلی جداگانه به زنانی است که مؤلف با عنوان «فی نساء المجیزات» از آنها یاد کرده است؛^{۳۸} در این فصل سیزده تن از مشیخات نویسنده، بدون رعایت نظم الفبایی، ذکر شده است. اشتغال کتاب بر شرح حال زنان دانشمند - که در نوشته‌های شرح حالی کمتر مجال ظهور یافته است - بر ارزش آن افزوده است.

بخش دوم کتاب، موضوعی و بنابر کتبی که نویسنده از استادان خود روایت کرده، تدوین شده است.^{۳۹} به دیگر سخن، مؤلف، مطالب بخش نخست کتاب را با تغییراتی اندک و به صورت معکوس مجدداً ذکر کرده است. او کلیه کتب و آموخته‌های خود را به هشت موضوع کلی طبقه‌بندی کرده و در هر طبقه، کتاب‌های مربوط به آن را، بی‌توجه به نظمی خاص آورده است. ترتیب این موضوعات چنین‌اند: علوم قرآن، صحاح سته، مسانید و معاجم حدیثی، سیر و مغازی، اسامی و کنی، اربعین‌ها، ادب، صرف و نحو و اشعار، مشیخه‌ها و تراجم.^{۴۰}

مؤلف، سخت اصرار دارد تا سلسله اسناد کتب را به صورت متصل، از شیخ تا نویسنده کتاب برساند.^{۴۱} این اهتمام بر حفظ اسناد، بیانگر این نکته است که حتی در قرن هشتم هجری و در عصری که کتابت به شکل گسترده‌ای رواج یافته بوده، همچنان اعتبار و اهمیت سماع احادیث و سلسله روایات به قوت خود باقی مانده است؛ با این تفاوت که در قرون نخستین احادیث را به راویان

۳۴. همان، ص ۳۷-۹۸.

۳۵. همان، ص ۹۹-۱۷۳.

۳۶. رک: البرنامه، فهرست موضوعات کتاب.

۳۷. برای اطلاع از الفبای مغربی رک: رده BP، ص ۱۸۱.

۳۸. همو، به کوشش محفوظ، ص ۱۶۹-۱۷۳.

۳۹. البرنامه، (محفوظ)، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۴۰. رک: همان، ص ۱۷۷، ۱۸۶، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۷۲، ۲۸۲، ۲۹۶ و ۳۲۰.

۴۱. رک: همان، ص ۳۱۸ و پس از آن.

آن نسبت می‌دادند، اما در برنامه‌ها، کتاب یا مجموعه کتب احادیث به مشاهیر دانشمندان هر دوره، اجمال سخن این‌که البرنامج وادی آشی را می‌توان جامع دو شیوه مشهور برنامه‌نویسی در تمدن اسلامی، یعنی مشیخه‌نویسی در بخش اول و فهرسه‌نگاری در بخش دوم دانست.

اعتبار و وثاقت

شرح حال‌های مندرج در کتب برامج یا فهارس از نظر وسعت دامنه اطلاعات، ارزشی بایسته ندارند و چون با هدف شرح حال نویسی به نگارش درنیامده‌اند، بسیار مختصر و مجمل‌اند و غالباً از نام کامل و نسب، سال وفات و ولادت و برخی خصوصیات ظاهری و علمی تجاوز نمی‌کنند.^{۴۲} با این وصف، چون کلیه شرح حال‌ها، مبنی بر مشاهدات نویسنده است، از اعتبار و وثاقت بسیار بالایی برخوردار است. این گونه نوشته‌ها اگرچه ظنی‌الدلاله‌اند، اما نظر به ثبوت قطعی آنها به مؤلفی که مستقیماً با اصحاب تراجم در ارتباط بوده، برای اصلاح شرح حال‌های عمومی ارائه شده در ادوار بعد بسیار مفید تواند بود.

با وجود حجم اندک مطالب مندرج در برامج، این اطلاعات در بررسی تاریخ آموزش و مواد درسی دوره اسلامی یگانه است؛ چه در حالی که مورخان دوره اسلامی عموماً با نگرشی سیاسی به تاریخ نگریسته‌اند و نوشته‌های آنان غالباً، فاقد اطلاعات ارزشمندی درباره اوضاع فرهنگی جهان اسلام است. برامج دقیقاً با نگاهی علمی و فرهنگی تألیف یافته‌اند؛ به عنوان نمونه با استفاده از البرنامج وادی آشی می‌توان به مواد درسی رشته‌های مختلف علوم اسلامی در قرن هشتم هجری در شهرهای تونس مغرب، اندلس، دمشق، مکه، مدینه و ... پی برد.^{۴۳} نیز نظر به این‌که نویسندگان برامج بر ذکر اسناد کتب از نویسنده تا دوره خود تأکید می‌ورزند، از طریق بازشناسی راویان می‌توان سیر تحول یک علم و چگونگی انتقال آن را از نقطه‌ای به نقطه دیگر از جهان اسلام دریافت و مشهورترین و معتبرترین راویان هر علم را باز شناخت.^{۴۴}

اسلوب نگارش

اسلوب نگارش وادی آشی ساده و روان است و از استعمال الفاظ نادر و نیز امثال و حکم پرهیز کرده است. با وجود این، از آنجا که عرصه اطلاعات در کتب برامج محدود است و مؤلفان جز ارائه فهرست مشایخ و آثار نویسندگان آن را تعقیب نمی‌کرده‌اند، اسلوب نگارش این نوشته‌ها خشک، بی‌روح و غالباً کلیشه‌ای و تکراری است. در بهترین نمونه این آثار، مؤلف کمی از قالب از پیش تعیین شده فوق، فاصله گرفته و در خلال شرح حال‌ها به برخی اشعار و ملاحظات ادبی هم توجه دارد. البرنامج

۴۲. به عنوان نمونه رک: فهرس ابن‌غازی، ص ۱۸۳؛ ثبت، ص ۴۹-۵۰ و ۵۲.

۴۳. رک: کتاب البرنامج، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۴۴. به عنوان نمونه، درباره چگونگی انتقال سیره ابن‌اسحاق به مغرب، رک: کتاب البرنامج، ص ۲۱۳.

وادی آشی با وجود شمار اندک اشعار آن از این گونه است.^{۴۵} به علاوه، از نوشته‌های حدیثی - رجالی بسیار تأثیر پذیرفته و از این رو است که اصطلاحات مرتبط با انواع اجازات و طرق مختلف نقل روایات در این آثار عموماً، بویژه در البرنامهج وادی آشی مکرر به چشم می‌خورد.^{۴۶}

نتیجه

در پی اهمیت یافتن سماع به عنوان شیوه‌ای بس مهم در آموزش حدیث و تسری این شیوه به دیگر علوم دینی، در غرب جهان اسلام نوشته‌هایی پدید آمد که اغلب بدان برنامهج یا فهرسه می‌گفتند. نویسندگان این آثار با هدف ایجاد وثاقت در مرویاتشان و اعتماددهی به مخاطبان، به ذکر نام مشایخ خود و چگونگی اخذ احادیث و روایات می‌پرداختند. این نوشته‌ها از نظر شیوه تدوین می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود: دسته اول، کتبی که بر اساس نام مشایخ تدوین شده و دیگری، آثاری هستند که نه براساس نام مشایخ، بلکه بر اساس نام کتبی که مؤلفان نزد شیخ آموخته مرتب شده‌اند؛ با این همه، برخی چون وادی آشی دسته سوم از این آثار را با ترکیبی از روش‌های اول و دوم پدید آورده‌اند. به هر روی، کتب برنامهج، با وجود اطلاعات شرح حالی اندک آنها، در تاریخ فرهنگی بویژه به جهت اشتمال بر اطلاعاتی دقیق از مواد درسی نظام آموزش اسلامی و نیز تبیین سیر انتقال علوم دینی از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در جهان اسلام، بسیار قابل توجه است.

کتابنامه

- برنامهج شیوخ الرعی، ابوالحسن علی بن محمد رعینی، به کوشش: ابراهیم شُبوح، دمشق: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۹۶۲م.
- البرنامهج، محمد بن جابر وادی آشی، به کوشش: محمد محفوظ، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۲م.
- البرنامهج وادی آشی، به کوشش: محمد الهیلة، مکه: جامعة ام القرى، ۱۹۸۱م.
- تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، عبدالرحیم غنیمه، ترجمه: نورالله کسای، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، ابن بطوطة ابو عبدالله محمد طنجی، به کوشش: محمد عبدالمنعم عریان، بیروت: دار احیاء العلوم، ۱۹۸۷م.
- تذکرة الحفاظ، ابو عبدالله شمس الدین ذهبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- بُیت، حسن ابن عمر الشطّی، بیروت: دارالبشائر الإسلامیة، ۲۰۰۰م.
- الدرر الکامنة فی اعیان المائة الثامنة، احمد بن علی ابن حجر، حیدرآباد: مطبعة دائرة المعارف العثمانیة،

۴۵. همان، ص ۳۹، ۴۶، ۷۵، ۷۶ و ۸۲.

۴۶. همان، ص ۴۲، ۴۳، ۴۴ و جم.

۱۹۳۰م.

- دیباج المذهب فی معرفة أعيان المذهب، ابراهیم بن علی ابن فرحون، به کوشش: محمد احمد ابوالنور، قاهره، ۱۹۷۶م.
- رده BP، احمد طاهری عراقی، تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی، ۱۳۵۸ش.
- فهرس ابن غازی «التعلیل برسوم الأسماء و...» ابن غازی، به کوشش: محمد زاهی، بی جا: دارالبيضاء، دارالمغرب، ۱۹۷۹م.
- «کتب برامج العلماء فی الاندلس»، عبدالعزيز اهوانی، مجلة مهدهالمخطوطات العربية، ش ۱، ۱۹۵۵م.
- المعجم الوسيط، مصطفى ابراهيم و...، استانبول: المكتبة الاسلامية للطباعة و النشر، بی تا.
- مقدمه بر البرنامج وادی آشی، محمد محفوظ، بیروت: دارالترب الاسلامی، ۱۹۸۲م.
- مقدمه بر برنامج شیوخ الرعی، ابراهیم شتوح، دمشق، ۱۹۶۲م.
- مقدمه بر بُت بلوی، عبدالله عمرانی، بیروت: دارالترب الاسلامی، ۱۹۸۳م.
- مقدمه بر بُت بن عمر الشطی، محمد مطیع حافظ، بیروت: دار البشائر الاسلامیة، ۲۰۰۰م.
- مقدمه بر مشیخة ابن المواهب حنبلی، محمد مطیع حافظ، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۹۹۰م.
- الوافی بالوفیات، صلاح الدین خلیل صفدی، استانبول و ویسیان، ۱۹۸۳م.
- Ayalon. A, "Mashyakha", *Encyclopaedia of Islam*, New Edition, Leiden, Brill, 1991.
- Pellat Ch, "Fahrassa", *Encyclopaedia of Islam*, New Edition, Leiden, Brill, 1991.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی